

نقد و بررسی عوامل محیطی در عنوان اشعار نیما

عبدالله حکیم^۱

۱. مقدمه

در دوران معاصر و با ظهور نظریه‌های ادبی، دریچه‌هایی جدید در بررسی و فهم متون برای خواننده باز شده است. یکی از نظریه‌های نوین در پژوهش‌های ادبی و بررسی جریان فکری حاکم بر آثار ادبی، تحلیل و نقد ساختاری عنوان‌ها و نام‌های بخش‌های درونی آنهاست، که مبین تطوّر و تحوّل فکری حاکم بر متون؛ از سویی و فضای کلی اندیشگی خالق آنها، از دیگر سوست. این فرآیند و بررسی درباره متن ادبی خلاقانه‌ای چون شعر و هنر ناب، درخور اعتمادتر به نظر می‌رسد. نمونه این شیوه از تحلیل، تلاش شفيعی کدکنی در کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی است که برای نشان دادن ضرورت چنین بررسی‌ای، اشعار معاصر عرب را با رویکردی نو بررسی کرده است.

«وقتی هزار یا بیشتر از هزار مجموعه شعر را از این دیدگاه، یعنی از دیدگاه «نام مجموعه‌ها»، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و این طبقات را بر ادوار تاریخی یک قرن توزیع کنیم، درخواهیم یافت که در مجموع، در هر دوره‌ای چه نوع حال و هوایی حاکم بوده است. با این نگاه، می‌توان گفت هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر، حتماً دیوان‌های او خوانده شود و می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت شاعر را تحلیل کرد» (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص. ۴۴۲).

در متون ادبی معاصر، عنوان جزئی بسیار مهم برای هر متن به شمار می‌رود؛ از این رو ادیبان همواره در پی آنند که در عناوین متون و آثار خود تنوع ایجاد کنند. اهمیت عنوان در آن است که «عنوان به منزله سر برای بدن است و متن از طریق افزایش، کاهش، تعویض و یا تغییر، به شرح و اصلاح آن می‌پردازد. از منظر نشانه‌شناسی، عنوان‌گذاری به منزله مرکز و یا هسته شعر است و به آن مفهوم، پویایی می‌بخشد. یقیناً عنوان ما را در تحلیل و بررسی متن یاری می‌کند. شایان ذکر است عنوان، سبب شناخت عمیق انسجام متن و درک ابهامات آن می‌شود؛ زیرا همچون محوری است که زیایی و بازتولید خود می‌پردازد و ماهیت شعر را روشن می‌سازد» (حمداوی، ۱۹۷۹، ص. ۱۰۷).

در ایران گاه عنوان کتاب مکانتی برتر از سرشناسه بودن دارد و نام کتاب، نام نویسنده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و نویسنده گاه با عنوان کتاب شناخته شده است. مثل: صاحب معالم، صاحب حدائق. گاهی نیز عنوان کتاب به نویسنده‌اش اسناد داده می‌شود، مانند شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی.

www.anjomanfarsi.ir

۱-۱- پیشنهاد پژوهش

تحقیق درباره ماهیت و کاربرد عنوان در یک اثر ادبی، در پژوهش‌های اخیر اروپا و بویژه در فرانسه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۸م کتابی با نام «عناوین کتاب‌های قرن هشتم» تألیف فرانسوا فوریه و اندی فونتانا منتشر شد. این کتاب از اولین نقدهایی به شمار می‌رود که به بررسی عنوان پرداخته است. پس از این کتاب بود که دانشی جدید به نام «عنوان‌شناسی» شکل گرفت. لیو هوک نیز با انتشار کتابی به نام «نشانه‌شناسی عنوان» از جمله افرادی بود که نقشی بسزا در بنیان‌گذاری دانش عنوان‌شناسی داشت. این اثر بررسی جامعی در زمینه تمام جنبه‌های دانش عنوان‌شناسی به شمار می‌رود (هوک، ۱۹۸۱، ص. ۵).

در جهان عرب، سابقه بررسی عنوان به اواخر قرن بیستم میلادی برمی‌گردد. از جمله مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

^۱ دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

العنوان فی الشعر العربی، النشأه و التطور (۱۹۸۸) نوشته محمد عویس؛ مقاله «النص الموازی فی الروایه، استراتجیه العنوان» تالیف دکتر شعیب حلیفی؛ در پژوهش‌های دانشگاهی، جمیل حمداوی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود «اشکالیه العنوانه فی الدواوین و القصاید الشعریه فی الادب العربی الحدیث و المعاصر» (۱۹۹۶)، حسین خالد حسین «فی نظریه العنوان» (۲۰۰۷) و

در ایران اشاره‌هایی در کتاب‌های روش تحقیق درباره اهمیت عنوان و عنوان‌گذاری در روش تحقیق دیده می‌شود، از جمله مقالاتی که به صورت مجزا و به طور مستقل درباره اهمیت عنوان و عنوان‌دهی، بحث کرده، می‌توان به پنج بخش مقالات اسفندیاری تحت عنوان «آیین انتخاب عنوان» اشاره کرد.

در رابطه با عنوان تنها امروزه نیست که به حسن عنوان توجه شده، بلکه در گذشته نویسندگان نیز به این امر به خوبی و تمام و کمال واقف بوده‌اند و در انتخاب آن دقت و وسواس فراوانی را به خرج می‌دادند.

جامی در پیوند عنوان با متن که عنوان نمایان‌گر مضمون است، گوید:

عنوان همه درد، همچو مضمون **ارسال کند به سوی مجنون**

(جامی، ۱۳۳۷، ص. ۸۶۲)

ناصر خسرو به اهمیت عنوان و نیکویی و زیبایی عنوان توجه دارد:

دل تو نامه عقلست و سخن عنوان است **بکوش سخت و نکو کن ز نامه عنوان را**

(ناصر خسرو، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۸)

۱-۲- پرسش‌ها:

در بررسی محتوای اشعار چگونه می‌توان به رابطه عناوین با مضامین شعری موجود در آنها دست یافت؟ عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری در انتخاب عناوین شعری نیمایوشیچ دارد؟

۲. متن اصلی

۱-۲. عنوان متون، اهمیت و دیدگاه‌ها

عنوان کتاب، برچسبی است که نویسنده به اثر و اندیشه خود می‌زند، اگر این عنوان زیننده و گیرنده بود، نخستین تحسین خواننده نثار نویسنده می‌شود. نباید از خاطر زدود که عنوان کتاب یک اثر نامناسب بود بخیه به روی کار می‌افتد و نخستین تقبیح خواننده نثار نویسنده می‌شود. نباید از خاطر زدود که عنوان کتاب، نخستین تقبیح خواننده نثار نویسنده می‌شود و چنان دیگر پرخورده‌های نخستین، حساس و سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده واکنش‌های آینده است.

دلالت عنوان از مباحث مهم نقد ادبی معاصر به شمار می‌رود که مورد بحث فراوان ناقدان ادبی واقع شده است، و می‌توان گفت که نقش اساسی در فهم معانی آثار ادبی دارد، اهمیت آن از این نظر است که عنوان اولین نشانه‌ای است که از طریق آن موضوع متن را می‌توان درک کرد و دلالت‌های نهان‌اش را آشکار کرد. از طریق بررسی دلالت عنوان خواننده می‌تواند نمادها، اسطوره‌ها و مجازهای متن را دریابد. چون عنوان اولین زنجیره‌ی ارتباطی کیفی در میان فرستنده و گیرنده است

اهمیت عنوان در متون ادبی در این است که عنوان نه تنها جزء متن به شمار می‌رود، بلکه دروازه‌ای است که ناقد از طریق آن می‌تواند به عمق متن ادبی داخل شود و دلالت‌های آشکار یا پنهان از آن دریافت کند «و چه بسا عنوان در بررسی‌های نقدی معاصر از جمله "متون همسان" شمرده شده است؛ زیرا که عنوان اولین نشانه دریافت متن، و کلید نشانه‌ای است که ساختمان متن و اصل آن را در یک یا چند کلمه، مختصر می‌کند.»

(الفیفی، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۶)

در گذشته عنوان را فقط برای کتاب‌ها انتخاب می‌کردند. عنوان در شعر یکی از ویژگی‌های مهم شعر معاصر به شمار می‌رود و اگرچه در اشعار قدیم عموماً نبوده است، مطلع‌های قصاید جایی عناوین را پرمی‌کرد، اما شاعر معاصر ضرورت آن را دریافت، زیرا هر چیزی، اسمی دارد که به آن دلالت می‌کند، و عنوان هر متن ادبی آن را از متون دیگر متمایز و مشخص می‌کند.

عنوان مدخلی از مدخل‌های متن، یا کلیدی از کلیدهایش یا دری است که از آن به دنیای متن داخل می‌شویم و هر چه متن از نظر مفاهیم و جنبه‌ها و سطوح مختلفش پر بار باشد مفهوم عنوان را بیشتر و بهتر می‌رساند. پویایی متن به غنای آن بستگی دارد، پویایی متن شعری به ساختار درونی و به روابط این ساختارها با هم بستگی دارد، عنوان اولین پیام یا اولین رابطه‌ای است که به ما می‌رسد و ما آن را از "عالم متن" دریافت می‌کنیم. از ویژگی‌های عنوان این است که وسیله‌ای برای خواندن متن شعری به شمار می‌رود و متن شعری وسیله‌ای برای خواندن عنوان است. عنوان آخرین چیزی است که از متن شعری انتخاب می‌شود، وقتی که شاعر قصیده خود را به پایان می‌رساند به جستجوی عنوان می‌پردازد. این عنوان چکیده‌ی دلالتی خواهد شد برای آن چیزی که به گمان شاعر مضمون اصلی قصیده‌ی او بوده، یا دغدغه فکری وی پیرامون آن می‌چرخد، پس بنابراین عنوان، تأویل شاعر است که متن خود را تصویر می‌کشد.» (حسین، ۲۰۰۷، صص ۵۰-۵۱)

از آنجایی که وجود عنوان در متن معاصر ضروری است، بررسی‌ها و پژوهش‌های معاصر به استخراج دلالت‌های آن و رابطه آن با متن توجه دارد، از این رو «برای پژوهشگر لازم است که به نقش عنوان، در تشکیل زبان شعری توجه کند، زیرا نه تنها مکمل و دال بر متن می‌باشد، بلکه نشانه‌ای است که با متن، رابطه‌ی اتصال و انفصال همزمان دارد. رابطه‌ی اتصال برای اینکه در اصل برای متن معین وضع شده است. و رابطه‌ی انفصال به این سبب که عنوان مانند علامتی است که اصول ذاتی خاص خود را داراست مانند دیگر علامت‌های برآمده از روندی دلالتی که ما آن را شکل می‌دهیم و متن و عنوان را با آن تأویل می‌نماییم» (یحیوی، ۱۹۹۸، صص ۱۱۰).

عنوان‌شناسان هر یک بر حسب دیدگاه خود عنوان را تقسیم بندی کرده‌اند، برای مثال ژرار ژنت برای عنوان، به سه جنبه قائل است: عنوان، عنوان فرعی و بیان نوع. ولی عنوان اصلی متن، مهم‌ترین قسمت در این تقسیم‌بندی است که همه‌ی این مجموعه زیر سایه‌ی آن قرار دارد. برای تحلیل عنوان باید در ابتدا از عنوان اصلی شروع کرد سپس به عناوین فرعی پرداخته شود؛ چون عنوان فرعی تأویل‌کننده‌ی عنوان اصلی است «ولی چیزی که ثابت می‌ماند همه عناوین شعری اعم از اصلی (کلی) یا فرعی است که به یک موضوع وابسته باشد. عنوان‌های اصلی و فرعی نقش خود را در دو جهت مخالف ایفا می‌کنند و کامل‌کننده‌ی هم هستند؛ یعنی عنوان می‌تواند یک حرکت برای وصف متن شعری و تفسیر و تأویل آن باشد، همچنین می‌تواند خود، جای وصف و تفسیر و تأویل را بگیرد. شروع از خود متن می‌باشد؛ پس بر اساس این تعبیر عنوان "تفسیرکننده" قصیده و هم زمان "تفسیر شده" آن است» (بدری، ۲۰۰۳، صص ۱۹).

هیاس درباره‌ی درباره عنوان متون ادبی می‌گوید: «بدین معنی که عنوان، فلسفه خاص خود را بر پایه معناشناسی ارتباط با متن خود از یک جهت، و چگونگی استقبال دریافت‌کنندگان در دریافت از جهت دیگر، داراست، که به آن زیبایی خاص می‌دهد. زیرا که امروز عنوان بخش مهم؛ و اصلی است که ساختمان متن را تکمیل، و جلب نظر می‌نماید، زیرا که عنوان، کانون نور بخشی در متن ادبی محسوب می‌گردد» (۲۰۱۰، صص ۱۰).

۲-۲. عنوان در اشعار معاصر

در متون ادبی معاصر، عنوان جزء بسیار مهمی برای هر متن به شمار می‌رود؛ از این رو ادیبان همواره در پی آن هستند که در عناوین متون و آثار خود تنوع ایجاد کنند. اهمیت عنوان در آن است که «عنوان به منزله‌ی سر برای بدن است و متن از طریق افزایش، تعویض، کاهش و یا تغییر، به شرح و اصلاح آن می‌پردازد. از منظر نشانه‌شناسی، عنوان گذاری به منزله‌ی مرکز و یا هسته‌ی شعر است و به آن مفهوم پویایی می‌بخشد. یقیناً عنوان با اندوخته‌ای

گران‌بها، ما در تحلیل و بررسی متن یاری می‌کند. خاطر نشان می‌کنیم که عنوان، سبب شناخت عمیق انسجام متن و درک ابهامات آن می‌شود؛ زیرا همچون محوری است که به زایایی و بازتولید خود می‌پردازد و ماهیت شعر را روشن می‌سازد» (حمداوی، ۱۹۷۹م، ص. ۱۰۷).

به سبب اهمیت عنوان، «ناقدان به آن توجه کرده و در بررسی‌های معاصر به آن پرداخته‌اند. آنها عنوان را مدخلی مهم می‌دانند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ چراکه بدون تردید خواننده می‌تواند از طریق آن به عالم متن وارد شود و از آن برای فهم متن کمک گیرد» (رحیم، ۲۰۰۸م، ص. ۳۳۳). اغلب اوقات عنوان سؤالاتی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که بیانگر اهمیت آن است؛ به ویژه که گاه ما جوابی برای آن‌ها نمی‌یابیم مگر اینکه به پایان متن ادبی برسیم. به عبارت دیگر عنوان، «خواننده را برای خواندن متن ادبی تشویق می‌کند و این تشویق از طریق سؤالاتی است که عنوان به ذهن خواننده القا می‌کند و خواننده مجبور می‌شود برای یافتن پاسخ آن‌ها به عالم متن داخل شود» (رحیم، ۲۰۰۸م، ص. ۳۳۳).

با دقت در نقش و اهمیت عنوان، درمی‌یابیم که بهتر است ناقد قبل از تحلیل متن، کار خود را با بررسی عنوان شروع کند؛ زیرا عنوان کلیدی است که رمز و راز متن را برای خواننده می‌گشاید. «پس عنوان - بنابر اهمیت آن - مبانی و اصولی علمی دارد که بر آن استوار است. عنوان تا حد زیادی به موازات و برابر خود متن است. پس هر گونه بررسی برای آشکار کردن فضای متن را باید از عنوان شروع کرد؛ چراکه عنوان نه تنها بخش اضافی زبان نیست که بتوان آن را از کل متن حذف کرد، عضو اصلی متن است که باید قبل از ورود به متن، از آن عبور کرد» (رحیم، ۲۰۰۸م، ص. ۳۳۴).

عناوین قصاید به مفهوم امروزی را می‌توان در اشعار داوری شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۴۲ش) به وفور ملاحظه کرد که همه اشعارش عنوان داشته‌اند، به جز غزل‌ها و مثنوی‌ها که چند مثنوی فقط عنوان داشته‌اند. (داوری شیرازی، تابستان ۱۳۷۰ش) بنابراین، می‌توان گفت که داوری شیرازی پیشگام یا به تعبیری بنیان‌گذار عنوان در شعر معاصر است.

در نوشتن کتاب شروع و پایان خوب از اهمیت والایی برخوردار است؛ اگر نویسنده در همان آغاز کار، تألیفش را تحت عنوان مشخص شروع کند؛ در متن و پایان آن نیز می‌تواند به خوبی نتیجه‌گیری کند و به سرانجام برساند. پس انتخاب یک عنوان مناسب و دندان‌گیر برای کتاب (حسن مطلع)، انجام دادن نیمی از کار، و نقطه شروع خوب و مهمی برای سامان دادن یک اثر است. افزون بر اینکه عنوان زیننده، به منزله پایان خوب یک اثر و حسن مقطع است (اسفندیاری، ۱۳۶۹، ب ۱، ص. ۱۱۴).

www.anjomanfarsi.ir

۳. عوامل محیطی در عنوان‌دهی اشعار نیما

ارتباط میان زبان و محیط اجتماعی و فرهنگی در پژوهش‌های زبان‌شناسان سابقه دیرینه‌ای دارد. ساپیر (۱۸۸۴-۱۹۳۹) جزو اولین زبان‌شناسانی است که به طور اخص ارتباط بین زبان و محیط زندگی را بررسی کرد و نشان داد چگونه عوامل بیرونی در زبان نمود پیدا می‌کند. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «زبان و محیط زیست» محیط مادی را از محیط اجتماعی متمایز می‌داند. محیط مادی عمدتاً به ویژگی‌های جغرافیایی یک منطقه مانند: آب، کوه، دشت، ساحل، دریا، و شرایط اقتصادی دلالت دارد (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۸۳، ص. ۶۸).

۳-۱. تأثیر طبیعت در انتخاب عنوان شعر نیما

با بررسی اشعار نیما یوشیچ می‌توان گفت وی شاعر طبیعت است؛ زیرا واژه‌های مربوط به طبیعت چه در عناوین، چه در متن‌های شعری‌اش، چشمگیر است، و این نشان می‌دهد که وی ارتباط عمیقی با طبیعت داشته است. او در اشعارش «از طبیعت برای ما تابلویی نمی‌سازد که با همان نگاه اول آن را ببینیم، مانند طبیعتی که منوچهری دامغانی

نشان می‌دهد، بلکه سفر به جنگلی ناشناخته و پر هول و هراس را توصیف می‌کند که باید آن را با تعریف او بشناسیم و کشف کنیم» (طاهباز، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۶)

اشعار نیما منعکس‌کننده عشق و علاقه‌ی وی به طبیعت است. از دیدگاه او رابطه میان انسان و طبیعت، رابطه‌ی عمیق و صمیمی است و این رابطه نه تنها در اشعار وی پدیدار است، بلکه در نامه‌هایش به فامیل و دوستان به طور قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. همچنین در این نامه‌ها نارضایتی وی از زندگی در شهر و آداب و رسوم آن آشکار است. او در یکی از نامه‌هایش به نصیر می‌گوید: «آیا ممکن است کسی میان آتش برود و طبیعتاً نسوزد؟ شهر منبع بدبختی است. خوشبختی در او برای یک مغز حساس محال است، محال! کسی حرف مرا گوش نمی‌دهد. اما من هم با اشخاص چه کار دارم. این منم که باید سرمشق زندگانی خودم باشم، نه آنها» (نیما یوشیج، ۱۳۷۶، ص. ۲۹).

زندگی نیما در طبیعت و حضور مداوم وی در آن «و مشاهده تازگی‌ها و تنوع‌های آن، توانست وی را به راه نوآوری برد و در او انگیزه‌های برای ابداع و تنوع پدید آورد. نیما طبیعت را با همه امکاناتش پشتوانه شاعری خود کرد. این پشتوانه غنی، توانست به وجود آورنده انگیزه‌ای بزرگ و منبع الهامی غنی برای او باشد» (باقی نژاد، ۱۳۸۵، ص. ۲۴). اگر واژگان مربوط به عوامل و عناصر طبیعت را در اشعار نیما بررسی کنیم، می‌بینیم که وی از این واژگان بسیار استفاده کرده و این ویژگی در عناوین اشعارش قابل ملاحظه است. واژگان مربوط به عوامل و عناصر طبیعت تقریباً اکثر عناوین را شامل می‌شود. به طور کلی عناوین طبیعت را در اشعار شاعر به چند بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱-۳-۱. عناوین شعری برگرفته از نام حیوانات و پرندگان

بازتاب نام حیوانات و پرندگان در عنوان اشعار نیما، شعر شاعر را از این جهت برجسته کرده است به طوری که می‌توان گفت که نیما اولین شاعری است که بسامد بالایی از این نوع عناوین را در شعر خود دارد. این عناوین به موضوعات مختلفی پرداخته است و نیما با توجه به تأثیری که از محیط خویش می‌گیرد چنین عناوینی را برای شعر خویش انتخاب می‌کند. این عناوین عبارتند از: ققنوس، شیر، قو، گرگ، خروس، کرم ابریشم، کبک، خروس، بوقلمون، پرند منزوی، عقاب نیل و غیره.

ققنوس: مرغی است افسانه‌ای که منقارش سوراخ‌های فراوان دارد

شعر زیر از شاعر بزرگ ایران، نیما یوشیج، که عنوان ققنوس دارد، بازگوکننده مناسبی از اسطوره ققنوس است:

ققنوس، مرغ خوشخوان، آوازه جهان // آواره مانده از وزش بادهای سرد // بر شاخ خیزران //

بنشسته است فرد // او ناله‌های گمشده ترکیب می‌کند (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۳۲۵).

پورنامداریان در «خانه‌ام ابری است» می‌گوید: «شعر ققنوس، وصف حال سمبلیکی از خود نیماست، موقع و مقام او به عنوان شاعر سنت‌شکن و نیز نسبت او با شاعران دیگر و پیش‌بینی سرنوشتی که در انتظار اوست. حکایت ققنوس که عطار در منطق‌الطیر آورده است الهام‌بخش نیما در این شعر است. اما نیما ققنوسی را که خویشتن را در او می‌بیند وصف می‌کند نه ققنوسی را که جدا از او مرغی است که در افسانه هستی دارد» (پورنامداریان، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۱).

مرغ آمین نیما بانقش دادن به مرغی، دردها و آرزوهای خود و مردم را بازگو می‌کند. مرغ آمین که در اصل فرشته‌ای است که در آسمان پرواز می‌کند و آمین می‌گوید و هر دعایی که با آمین او قرین گردد مستجاب می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

مرغ آمین درد آلودی است کاواره بمانده... با صدای هر دم آمین گفتنش، آن آشنا پرورد //

... می‌کند از یاس خسران بار آنان کم // می‌نهد نزدیک با هم، آرزوهای نهان را (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۷۴۱)

مرغ غم نیما بنیادش از اندوه است، هیچ‌کس او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و فقط فریادش را می‌شنود. جز او، صدای مرغ دیگری شنیده نمی‌شود. آه سوزناکش هر دم از ویرانه به گوش می‌رسد. او در انتظار سپیده است. می‌توان چنین برداشت کرد که مرغ غم تجسمی از نیماست؛ نه نیما از او جدا و نه او از نیما جداست.

نیما شعر خروس را به تمثیل می‌سراید و در جواب نابکاران و از زبان آنها نشان می‌دهد که چگونه برای حفظ منافع خود از ریختن خون و خوردن منافع بیمحابا هستند. استفاده از پرندگان در شعر نیما برای افشای استبداد و مستبدان به چشم می‌خورد. هنگامی که با کودتای رضاخان و سید ضیاء و سپس به قدرت رسیدن رضاخان، دستاوردهای مشروطه خواهان و آزادی بیان به خطر می‌افتد، نیما با استفاده از تمثیل، مخصوصاً تمثیل پرندگان برای ابراز مخالفت و نشان دادن چهره واقعی آنان تلاش می‌کند. حیوانات و جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند، همواره در ادبیات فارسی نقش‌های زیادی داشته‌اند. شیر در شعر نیما نمادی از خود شاعر است. با این شعر شاعر سعی دارد حالات روحی و اجتماعی خود را با واژه‌های نمادین بیان می‌دارد.

شب آمد مرا وقت غریدن است// که کار و هنگام گردیدن است...// بلرزند از روز بیداد من// بترسند از چنگ فولاد من// نه آبم نه آتش نه کوه از عتاب// که بس بدترم ز آتش و کوه و آب// کجا رفت خصم؟ (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۷۹).

شعر دیگر نیما به با نام جانوران شعر گرگ است. گرگ «مظهر زمین، شر، بلعندگی و درندگی است» (کوپر، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۸). گرگ جانوری مکار است با حسن بویایی بسیار قوی، معمولاً در اوّل صبح به گله حمله می‌کند؛ زیرا در این هنگام سگان گله در خوابند و غافل از هر نوع خطری هستند. شعر «گرگ» نیما، نمادی از اربابان و زورگویانند که منتظرند که محصول و دسترنج مردم را در موقع خود به یغما ببرند. عنوان شعر به شکل بسیار ظریفی و زیبایی به انسان‌های گرگ صفت اشاره دارد. نیما صفات کید، منتظر فرصت بودن و دستبرد زدن را وجوه شباهت گرگ و این اربابان می‌داند:

به روی قله‌ها گرگ درنده// ارمه را در کمین بنشسته باشد// شود گاهی عیان و گه خزنده// به حيله چشم‌ها را بسته باشد...// بدین سان بر سر ایوانش ارباب// چو گرگان در کمین سود باشد...// شما را بنگرد از راه بالا// چو کوشیدند و حاصل گشت بسته//... فرود آید هم این گرگ نشسته (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۶-۱۶۵)

نیما در شعری دیگر تحت عنوان «کرم ابریشم» به صورت تمثیلی داستان را شروع می‌کند و در ادامه خطاب به مردم گرفتار توصیه می‌کند که از این ذلت و اسیری خود را وارهانند. عنوان شعر به صورت نمادین انسان‌های بی تحرک و بی اراده را به کرم ابریشم تشبیه کرده است.

داروگ: داروگ قورباغه‌ای درختی است که اهالی شمال گویند اگر داروگ بخواند حتما باران می‌آید (نیما: ۱۳۹۳، ص. ۹۰۱). داروگ از نگاه نیما می‌تواند انسان آگاهی باشد که با توجه به شرایط زمان زمان رستگاری و شادابی را برای ملت پیش‌بینی کند. شاعر در این شعر نیز به نماد روی می‌آورد و کشور خود را که گرفتار استبداد شده را با کشور همسایه (شوروی) مقایسه می‌کند که با تحول و انقلاب درونی به شکوفایی رسیده است مقایسه می‌کند. عنوان زیبای شاعر که از طبیعت مازندران گرفته شده است. داروگ می‌تواند نمادی از خود شاعر آگاه است که منتظر تحول و تغییر در کشورش است.

خشک آمد کشتگاه من// در جوار کشت همسایه// گرچه می‌گویند: "می‌گیرند روی ساحل نزدیک// سوگواران در میان سوگواران"// قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟// بر بساطی که بساطی نیست// در درون کومه ی تاریک من که ذره ای با آن نشاطی نیست// و جدار دنده های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترکد// چون دل یاران که در هجران یاران-// قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟ (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۷۶۰)

۲-۱-۳. عناوینی که با نام فصل‌های سال آمده‌اند

مانند: بهار، خواب زمستانی و در شب سرد زمستانی.

در اسفند ۱۳۰۸ و در آستانه فرارسیدن بهار، نیما یوشیج که در لاهیجان مشغول خدمت آموزگاری بود، شعر کودکانه «بهار» را برای بچه‌ها سرود:

بچه‌ها! بهار / گلها و اشکند / برفها پا شدند / از رو سبزه‌ها / از روی کوهسار / بچه‌ها! بهار (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۵).
نیما با سرودن این شعر، تحول و تغییر و بیداری را به کودکان آموزش می‌دهد. از نظر نیما بهار فصل کار و بیداری است. در فصل بهار همه پی کار خود می‌روند انسان، جانور و...
دارد می‌رود / دارد می‌پرد / زنبور از لونه // بابا از خونه // همه پی کار // بچه‌ها! بهار (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۵).
زمستان در شعر نیما نمود خموشی و سکوت است. زمستان را نیما با کلید واژه‌هایی چون خواب، مرگ، سردی، سرشکسته، مفلوک و... توصیف می‌کند. در شعر **خواب زمستانی** نیما سعی دارد تیرگی‌ها و سردی و دلمردگی زمستان را به اوضاع زمان مرتبط کند.

در شب سرد زمستانی / در شب سرد زمستانی / کوره خورشید هم، چون کوره گرم چراغ من نمی‌سوزد / و به مانند چراغ من / نه می‌افروزد چراغی هیچ / نه فرو بسته یخ ماهی که از بالا می‌افروزد (نیمایوشیج، ۱۳۹۳، ص. ۷۳۴).

۳-۱-۳. عناوینی که حاوی اوقات شبانه‌روز هستند

مانند: صبح، اندوهناک شب، کلهدار صبح، کینه شب، شب دوش، شب قورق، کار شب پا، در شب تیره، با قطار شب و روز، و در نخستین ساعت شب و غیره.

صبح نماد بیداری و روشنی است نماد تولد دوباره است گویی هر صبحگاه زمین با تمام جزئیاتش دوباره متولد می‌شود و چهره‌ای نو و تازه‌ایی از خود نشان می‌دهد هستی در هر لحظه جلوه‌ای از خالقش رو ظاهر می‌کند ...
نیما در سال ۱۳۱۰ شعری با عنوان «صبح» می‌سراید و در این شعر امید و نشاط را در میان انسان‌ها و جانوران را ترسیم می‌کند که با صبح همه به کار و کاوش و همه مشغول شده‌اند.
همه بر پا شده // از همه ی خاکدان // گردون کاوش کنان // خاک گشاده زبان //
هر که به کاری شود هر چه جهد از نمان (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۹).

با بررسی کلیدواژه‌ی صبح در شعر نیما و تأمل در اوصاف و تصاویری که نیما از آن‌ها ارائه داده است به این نتیجه می‌رسیم که کاربرد کلیدواژه‌ی صبح نیز با گذر زمان و پختگی و تکامل زبان و اندیشه شاعر، دچار تحول معنایی و مفهومی گردیده و جنبه عمومی و اجتماعی به خود گرفته است.

شب در عنوان شعر نیما

عنصر «شب» یکی از موتیف‌های شعر نیما است که گسترده‌ترین و فلسفی‌ترین شکل آن، در منظومه‌هایی می‌باشد که با مطلع «شب» سروده است. منظومه‌هایی هم‌چون «ای شب»، «کینه شب»، «شب دوش»، «اندوهناک شب»، «کار شب پا» و «در شب سرد زمستانی» بسامد بالای به کارگیری سمبل شب را بر خواننده آشکار می‌سازد.
نیما در شعر «ای شب»، شب را بسیار شوم توصیف می‌کند و وحشت انگیز:
هان ای شب شوم وحشت انگیز // تا چند زنی به جانم آتش؟ (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۴۲)

۳-۲. بازتاب عوامل سیاسی در عنوان اشعار نیما

شعر سیاسی به شعری گفته می‌شود که حکومت مرکزی و مردم در تضاد هستند و فضایی اختناق بر جامعه حاکم است و شعر را از صریح گویی به نماد گرایی می‌کشد و برای شاعران جنبه‌ی ادبی شعر مهم است و سیاست در درجه دوم قرار می‌گیرند. نه مثل شاعران انقلاب که جنبه هنری شعر برای شاعر اصل نیست هدف برای او مهم است «گونه از شعر متعهد که با نیما شروع شد و بعد از کودتای آمریکایی در ۲۸ مرداد به اوج خود رسید، شعر سیاسی نماد گرا بود حضور شعر نمادگرایی سیاسی، مبین خفقان حکومت و سانسور است؛ فضایی بسته دوره رضا شاه ترویج شعر نمادگرا را شدت بخشید و این اندک صدای سیاسی هم در گلو خفه شد بعد از سقوط رضا خان فضای

سیاسی جامعه تا حدی مناسب ارائه اندیشه‌های گاه مخالف شد اما کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جدا از مسئله سیاسی و شکستی که برای سیاسیون محسوب می‌شد، سرخورده‌گی عمده در میان شاعران و عموماً شعرای چپ‌گرا به وجود آورد. بهترین شعرهای سیاسی - اجتماعی، نماد گرا اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، شاملو، فروغ فرخزاد، محصول این دوران است این فضا تا دهه پنجاه ادامه می‌یابد» (علایی، ۱۳۸۷، ص.ص. ۸۹-۹۰) تفاوت شعر این دوره با شعر مشروطه حضور مردم است که ما در اشعار سیاسی مردم را در حاشیه می‌بینیم حال آن که اشعار مشروطه مردم در بطن شعر قرار داشتند و شاعر برای مردم شعر می‌گفت نه مثل اشعار سیاسی برای قشر روشنفکر و افراد خاص در واقع در شعر سیاسی شاعر می‌خواهد روشنفکران را آگاه کند و آنها نیز مردم را به حرکت ترغیب کنند و از طرفی در دوران مشروطه حکومت و مردم باهم جدا نبودن و آنها دارای وجه اشتراکی باهم بودند و آن پیشرف بود؛ سیاست‌مداران و مردم هر دو خواهان تغییر و اصلاح جامعه بودند و به این دلیل شعر صریح و روشن و قابل فهم برای عموم مردم است.

گاهی هم پیچیده‌گی و نماد گرایی به علت فضایی بسته در جامعه در شعر به گونه‌ی می‌شود که مخاطب را سر در گم می‌کند این شعر تحت تاثیر حزب توده بود که اندیشه‌ی توده گرایی در این دوره مترقی‌ترین اندیشه سیاسی در بین شاعران و روشنفکران جامعه مطرح بود و این اندیشه را راهکاری برای نجات جامعه می‌دانستند و سعی می‌کردند مردم را به سوی این اندیشه سوق دهند نمونه بارز این شعر در شعر «داروگ» نیما می‌توان یافت:

خشک آمد کشتگاه من / در جوار کشت همسایه / گرچه می‌گویند ابر می‌گیرد روی ساحل نزدیک / سوگواران در میان سوگ واران / قاصد روزان ابری داروگ! / کی می‌رسد باران؟ / بر بساطی که بساطی نیست / در درون کرمه تاریک من که ذره‌ی با آن نشاطی نیست / ... قاصد روزان ابری کی می‌رسد باران؟ (نیما، ۱۳۹۳، ص. ۷۶۰)

نیما در اشعار خود ظاهراً در قیاس با بقیه شاعران به مسائل سیاسی کمتر پرداخته است، یا می‌توان گفت که وقتی شاعر به مسائل سیاسی می‌پردازد، بیشتر از واژه‌های طبیعت و عناصر آن برای بیان این مسائل استفاده می‌کند. «اشعار سیاسی وی غالباً نمادین و در توصیف جامعه شب زده است» (عباسی و محسنی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۵).

بنابراین، زمانیکه خواننده می‌خواهد عناوین اشعار سیاسی وی را بررسی کند، باید عناوین را به همراه متنهای شعری آن بررسی کند، زیرا ممکن است شعر مورد بررسی مضامین سیاسی داشته باشد، اما ظاهر عنوان به آن اشاره نکند از جمله عناوین اشعار نیما که مضامین سیاسی دارد شعر «پادشاه فتح» است، که «حاکی از اندیشه‌های انقلابی اوست و بر اساس دیدگاه‌های چپگرا از جامعه و انقلاب شکل گرفته است... و نشان از اعتماد به نیروی نهفته در بطن جامعه، امید به تحقق پیروزی مردم بر ظلم و استبداد و تغییر و تحول جامعه است» (پورنامداریان، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۱).

نیما پس از واقعه تیرماه ۱۳۳۲ یعنی سال کودتا، شعر سیاسی خود «دل فولادم» را سروده است. «عنوان‌بندی شعر تعریضی است به جمله‌ای از مصدق، خطاب به یکی از محاکمه کنندگانش که اتهامات او را به تیرهایی تشبیه می‌کرد که از همه سو به قلب او نشانه رفته‌اند. مصدق خود را "فولاد قلب" معرفی می‌کند» (رفویی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴)

خارکن، جامه مقتول، ناروایی به راه، شهید گمنام، سرباز فولادین، نیز شعرهایی با مضمون سیاسی هستند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، «حکایت از رنج‌ها و زحمت طاقت فرسای مردمی دارد که در دست هیچ ندارند. تأثر نیما نیز خشم او را بر می‌انگیزد و در نتیجه مردم را تشویق به عمل و مبارزه برای تغییر و تحول این شرایط ظالمانه می‌کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱، ص. ۹۷)

از دیگر شعرهای سیاسی نیما "شب پره ساحل نزدیک" است که وی «از "شب پره" به عنوان نمادی برای کسی که - به دلیل ترس از مأموران سازمان امنیت- شب هنگام برای پنهان شدن یا طرح مسائل سیاسی، به سراغ

شاعر می‌رود، استفاده کرده است» (راکعی، ۱۳۸۷ش، ص. ۱۶۹) در این عنوان ملاحظه می‌شود که شاعر برای بیان این وضعیت از نماد استفاده کرده است که جزء ویژگی‌های شعری‌اش به شمار می‌رود. ضد استبدادی بودن نیز از دیگر ویژگی‌های شعری شاعر است. شعر "ناقوس" جزء اشعاری است که وی دربارهٔ ظلم و استبدادی که در محیط اجتماعی‌اش وجود دارد، سروده است (طاهباز، ۱۳۶۸ش، ص. ۲۰۰). با مطالعه نامه‌ها و یادداشت‌های نیما می‌توان فهمید که شاعر برای برای سرودن اشعار سیاسی خود و در عین حال فرار از تبعید و توییح حکومت وقت، به «نمادگرایی» پناه می‌برد (جورکش، ۱۳۸۵ش، ص. ۴۷).

۳-۳. تأثیر عوامل اجتماعی در انتخاب عنوان اشعار نیما

شعر نیما دنبالهٔ منطقی شعر اجتماعی ایران در عصر بیداری و خود او پرچمدار بزرگ تحولات، در ادبیات منظوم ایران، پس از سال ۱۳۰۰ هـ ش است. با بررسی شعر نیما می‌توان گفت که همهٔ درونمایه‌های شعر فارسی در عصر بیداری، از جمله وطن، آزادی، قانون، علوم و فنون، ادبیات کارگری و... با سبک و بیانی نو در شعر نیما جلوه‌گر شده است. سیر تکاملی شعر نیما، تحت تأثیر تناقض فرهنگی موجود در حکومت پهلوی، تحولات اجتماعی و وجود فضای استبداد و اختناق، از رمانتیسم به سمبلیسم اجتماعی گرایید و ابهام در برخی از اشعار او، به ویژه پس از خلق ققنوس، گستره وسیع‌تری یافت؛ اما هیچ یک از این موارد در علاقه و توجه نیما به مقولهٔ انسان، تأثیری ایجاد نکرد.

ارزش انسان‌ها به میزان احساس درد و تعهد آنان در قبال دیگران است، نیما یوشیچ شاعری در حد اعلای این احساس انسانی است. شعر نیما به شدت رنگ انسانی، اجتماعی دارد، و این امر در جای جای دیوان او آشکار است. اگر چه نام او، همواره با شعر نو فارسی به اذهان تداعی می‌شود. اما آنچه بر شعر وی مهر جاودانی زده، بیشتر از ابداع سبک او، حضور پر رنگ دغدغه‌های انسانی، اجتماعی در شعر او است. دردها و رنج‌هایی که به گونه‌ای در تار و پود شعرش تنیده شده است که دل و جان مخاطب را تسخیر خود می‌کند. و همین احساس انسانی است که او را در کنار مردم قرار داده به طوری که هرگز زبان به مدح و ستایش حاکمان زمانه نیالوده و تن به ذلت و خواری نمی‌دهد. احساس تهعد در برابر جامعه، و تنگی قافیه در شعر سنتی برای بیان حقایق، وی را به سوی خلق اسلوبی نو در شعر، و استفاده از زبان نماد سوق داده است، تا بتواند بخشی از دردهای درونی خود را باز گوید. به عنوان مثال، کاربرد نمادین واژه شب با ذکر صفاتی چون: «شب شوم وحشت‌انگیز»، «دندان ازدهاست در کام شب نه صبح»، «شب تیره»، «شب سرد»، «شوریدگان این شب تاریک»، «اندوهناک شب»، «چرکین شبی تیره»، «شب عبث کینه بدل می‌جوید»، «چه شب موذی و گرمی و دراز»، «شب وحشت‌زنا»، «دندانان فرتوت شب»، «زدان شب تیره». در شعر او، حاکی از میزان وسعت درد و رنجی است که تمام وجود او را فرا گرفته است. بسامد بالای کاربرد این واژه، همراه با این صفات، تصویری واقعی از جامعهٔ آن روز است و روح پر تلاطم شاعر به خوبی نشان می‌دهد. اما از سوی دیگر، شعر نیما پیوسته عرصهٔ رویارویی بین امید و ناامیدی است، و او هرگز تسلیم تیرگی نشده، پیوسته در پیش روی خود، نور کم سوئی می‌بیند که به آن امید بسته است، و لذا در مقابل این شب تیره، به صبحی دل سپرده که گاهی نوید آمدنش را می‌دهد. کاربرد واژگانی چون: «چون صبح روی می‌گشاید مهر»، «صبح چون روی گشود»، «صبح خندان»، «صبح تابناک»، «کلید صبح»، «صبح روشن»، «روشن آرای صبح نورانی»، «ظلمت رو در گریز از صبح»، «صبح دلکش»، «صبح نزدیک شده ست». نشانی از این امیدواری است.

با بررسی اشعار نیما می‌توان به وضوح تأثیر حوادث سیاسی و اجتماعی دوره او را در آنها مشاهده کرد. یکی از مظاهر اشعارش جنبه اجتماعی و انسانی است که وی «ضرورت‌های جامعه خود را می‌شناخت و با موقعیت انسان در آن آشنا بود. او با توجه به حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی که داشت نمی‌توانست به احوال انسان‌های جامعه خود بی‌اعتنا بماند. نیما یوشیچ را می‌توان در رده شاعران معترض قرار داد. اعتراض پنهان و آشکار او را نسبت به ستم و فلاکت حاکم بر جامعه، در جای جای اشعارش می‌توان دید» (باقی نژاد، ۱۳۸۹ش، ص. ۵) اشعاری که شاعر

برای جامعه خود می‌سراید بسیار است، برای مثال به شعر او با عنوان "خانواده 63 سرباز" اشاره می‌شود که در آن «مسائل اقتصادی، فقر، برخورد آدم‌ها در جامعه طبقاتی طرح می‌گردد و دو نمود طبقه مرفه حاکم، و طبقه محروم و محکوم در آن زمان در سراسر آن با یکدیگر مقایسه می‌شود و تضادی را که از برخورد این دو نمود حاصل می‌گردد، مورد سؤال قرار می‌دهد، و خواننده را به قضاوتی عینی و علمی ناگزیر می‌کند» (نوری، ۱۳۷۸ش، ص. ۸۴).

وابستگی شاعر به جامعه خود باعث شد که وی درباره اوضاع حاکم بر جامعه شعر بسراید. وی با جامعه و زمان خود حرکت می‌کرد و همراه آن پیش می‌رفت. برای نمونه می‌توان به شعر "محبس" وی اشاره کرد که «منظومه مفصلی است در انتقاد از اوضاع اجتماعی. قهرمان داستان دهقان‌زاده جوانی است کرم نام که به تهمت سرپیچی از فرمان ارباب به زندان افتاده است» (آرین‌پور، تابستان ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص. ۴۷۸).

با بررسی اشعار نیما ملاحظه می‌شود که وی می‌خواهد شعرش درمانی برای دردهای جامعه باشد. جامعه‌ای که مظلوم و ستم‌دیده است و زیر سایه استبداد و اسارت زندگی می‌کند. در اشعار وی به رنج‌ها و سختی‌هایی که افراد جامعه تحمل می‌کنند، اشاره‌های زیادی می‌شود. «به تلاش و کوشش صیادان و کرجی بانان در «شمع کرجی» به اعدام شدگان بیگناه در «سرباز فولادین» به حالت مغروقان و غفلت ساحل نشینان در «آی آدم‌ها...» به مادر بی‌همسر و پسر بی‌پدر در "مادری و پسری" به بچه‌های گرسنه در کلبه خراب در «ناروایی به راه» به مرد برهنه‌ای که دست در دست کودکی یتیم راه می‌رود... و از این نمونه‌ها بسیار» (حقوقی، ۱۳۸۰ش، ص. ۲۷).

وی درباره همدردی با دیگران می‌گوید: «مثل «مستی...» درباره «مستی» باید بگویم زندگانی یک شب گوینده است که در پایان به یاد زندگی دیگران می‌افتد. مست نمی‌شود مگر برای ناراحتی و در پایان راحت نمی‌شود مگر با راحتی دیگران» (طاهباز، ۱۳۶۸ش، ص. ۳۶۱-۳۶۲) گویی شاعر با سرودن این اشعار می‌خواهد با مردم جامعه خود همدردی کند و با آنها در رنج‌هایشان سهیم باشد. هر چند که خود در زندگی بسیار سختی می‌کشید.

۳-۴- تأثیر محیط و فرهنگ عصر در عناوین نیما

نیما شاعری است که با تأثیرپذیری از فرهنگ و محیط زندگی خویش آثار عظیمی از خود به جای گذاشته است. تأثیرپذیری نیما از طبیعت، زبان و فرهنگ مازندران و انعکاس این خصوصیات در اشعار وی پیش از این، توسط بعضی از نویسندگان مورد توجه قرار گرفت. اشعار نیما علاوه بر تأثیرپذیری از عناصر زیست محیطی خطه، شمال تحت نفوذ زبان و فرهنگ طبری نیز می‌باشد. در اولین نگاه به مجموعه اشعار نیما خواننده متوجه کاربرد کلمات مازندرانی می‌شود که عموماً به مکان‌ها، درختان و جانوران دلالت داشته و نشانگر اهمیت این کلمات در نمود شرایط اقلیمی و زیستگاهی شاعر است (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۸۳، ص. ۷۴). همچنین برخی از این کلمات مازندرانی نیز در عناوین اشعارش استفاده شده است، مانند عناوینی که به نام روستاهای مازندران چون: انگاسی، کچجی، سریویل، و افزاسر اشاره دارد. عناوینی نیز در اشعار نیما وجود دارد که بر انسان و جانوران دلالت می‌کند، چون: ری راه، داروگ و آقا توکا.

۴. نتیجه‌گیری

شاعران در دوران معاصر بر این امر واقفند که عنوان از اهمیت والایی برخوردار است و با دقت و وسواس خاصی آن را انتخاب می‌کنند. در ادبیات کلاسیک ایران کمتر به عنوان و انتخاب آن توجه شده است و عناوین را ساده انتخاب می‌کردند؛ اما در دوران معاصر به پشتوانه نقد و نظریه‌های جدید، انتخاب عنوان پیچیده‌تر می‌شود و دقت بالای را می‌طلبد و شاعران معاصر نیز به این مهم عنایت بیشتری دارند. نیما یکی از شاعران معاصر است که در انتخاب عنوان اشعار خود وسواس زیادی به خرج داده است. یکی از جنبه‌های قابل توجه در بررسی عناوین شعری نیما، جلوه‌های محیط و عناصر آن در شعر شاعر است. از آنجا که عنوان‌شناسی یکی از روش‌های فهم متن است لذا

شاعر با طبع والایی که دارد، سعی دارد با پیوندی که بین عوامل محیط و عنوان شعر خود برقرار می‌کند، راه فهم متن شعر را جلوی خواننده بگذارد تا خواننده با از این طریق بتواند به فهم درست متن برسد.

عناوین برگرفته از طبیعت در شعر نیما بیشتر از دیگر عناوین جلوه‌گری می‌کند. نیما شاعر طبیعت است و نقش - آفرینی واژه‌های مربوط به طبیعت مازندران و زندگی نیما حاصل برخورد عاطفی و در عین حال نمادین شاعر با این عناصر است.

نیما هرچند زیاد اهل شعر سیاسی نیست اما چند شعر در این زمینه دارد که عنوان دهی شاعر در این اشعار بیشتر به شکل نمادین و سمبلیک است و نیما سعی دارد در این اشعار به توصیف وضع و حال مردم و نیز جامعه شب زده و بی سامان بپردازد.

اجتماع و فرهنگ نیز در شعر نیما جلوه و بازتابی خاص دار. نیما شاعر مردم و اجتماع است و اشعار زیادی نیز در این زمینه دارد. نیما سعی دارد در این بخش از شعر خویش از اوضاع اجتماعی عصر انتقاد کند و مشکلات اقتصادی و فقر و معیشت مردم را به تصویر بکشد. در اشعار وی به رنج‌ها و سختی‌هایی که افراد جامعه تحمل می‌کنند، اشاره‌های زیادی می‌شود.

مراجع

الف: فارسی

۱. کتاب‌های فارسی

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۵). از صبا تا نیما. تهران: زوار.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). خانه‌ام ابری است. تهران: سروش.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۷ش). خانه‌ام ابری است. تهران: سروش.
- جامی (۱۳۳۷). هفت اورنگ. تصحیح و مقدمه آقا مرتضی - مدرس گیلانی. تهران: سعدی.
- جورکش، شاپور (۱۳۸۵). بوطیقای شعر نو: نگاهی دیگر به نظریه و شعر نیما یوشیج. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- حقوقی، محمد (۱۳۸۰). نیما یوشیج. تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی. تهران: اختران.
- طاهباز، سیروس (۱۳۶۸). درباره شعر و شاعری: از مجموعه آثار نیما یوشیج. تهران: دفترهای زمانه.
- طاهباز، سیروس (۱۳۷۵). زندگی و هنر نیما یوشیج پر درد کوهستان. تهران: زریاب.
- علایی، سعید (۱۳۸۷). جریان‌شناسی شعر انقلاب. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کوپر، جین. (۱۳۸۶). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرهنگ نشر نو.
- ناصر خسرو (۱۳۶۸). دیوان اشعار. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- یوشیج، نیما (۱۳۹۳). مجموعه کامل اشعار نیما. تدوین سیروس طاهباز. تهران: نگاه.

۲. مقالات فارسی

- اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹). عنوان کتاب و آیین انتخاب آن. آینه پژوهش، ۴(۱)، ۱۲۰-۱۰۸.
- باقی‌نژاد، عباس (۱۳۸۵). نیما یوشیج؛ شاعر شهود و طبیعت. فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۵(۵)، ۳۰-۹.
- راکعی، فاطمه (۱۳۸۷). «شب پره» و «سیولیشه»: دو نماد برای یک موقعیت تأویل دو شعر نمادین از نیما یوشیج. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۱(۱۱)، ۱۸۱-۱۶۳.
- رفویی، پویا (۱۳۹۰). بازخوانی شعر «دل فولادم» نیما یوشیج. روزنامه شرق، یکشنبه ۳۰ مرداد. ص ۱۴.
- عباسی، حبیب الله و محسنی، مرتضی (۱۳۸۵). جوهر زمان: تحلیل جامعه‌شناختی منظومه کار شب پا نیما، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱۲ و ۱۳، ۱۹۱-۱۶۳.

- عموزاده مهدیرجی، محمد (۱۳۸۳). تجلیات زبان، فرهنگ و محیط مازندران در اشعار نیما. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱(۳۷)، ۸۲-۶۷.

ب) عربی و انگلیسی

- البدری، عثمان. (۲۰۰۳م). وظیفه العنوان فی الشعر الحدیث: قراءة تأویلیة فی نماذج منتخبة. الكويت، المجلة العربیة للعلوم الإنسانیة، ۸۱(۲۱)، ۱۱-۲۹.

- حسین، خالد حسین (۲۰۰۷م). فی نظریة العنوان: مغامرة تأویلیة فی شؤون العتبة النصیة. دمشق: دار التكوين للتألیف و الترجمة و النشر.

- حمداوی، جمیل (۱۹۷۹). السیمیوطیقا و العنونة، ۲۵(۳)، ۱۱۱-۷۹.

- رحیم، عبدالقادر (۲۰۰۸). العنوان فی النص الإبداعی: أهمیته و أنواعه. مجلة کلیة الآداب و العلوم الإنسانیة جامعة الملك محمد خیضر (سکره)، ۲(۳)، صص ۳۲۳-۳۴۳.

- الفیفی، عبدالله بن أحمد (۱۴۲۶). حدائث النص الشعری فی المملكة العربیة السعودیة: قراءة نقدیة فی تحولات المشهد الإبداعی. ط ۱. ریاض: النادي الأدبی بالریاض.

- هیاس، خلیل شکری (۲۰۱۰). القصیة السیر ذاتیة: بنیة النص و تشکیل الخطاب. الاردن: عالم الكتب الحدیث.

- یحیاوی، رشید (۱۹۹۸). الشعر العربی الحدیث: دراسة فی المنجز النصی. أفریقیا الشرق: الدار البیضاء.

- Leo H.Hock. (۱۹۸۱). la marquee du titre. dispositifs sémiotiques d'une pratique textuelle. mouton publishers. the hague. Paris. Newyork.

دانشگاه یاسوج

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

www.anjomanfarsi.ir